از کسی که مشاهد فضل نفس نکند زیرا که عطا و فضل پروردگار خود کند بنده که فضل خود را بیند در مملکه اعجابست و اگر فضل
رب العالمین را بیند در مرتبه قرب است و بجاب بیت تو بین عالم باد و بینی و بس من در و بیکس چه پرد و ساقی
یوم یرون بیند یوم یرون از عذاب روزی که دران روز لا تجزی حق گذاری نکند و شوند نفس هیچ نفس
شیئا هیچ چیز را از خود شیئا اندک چیز را از خود یا کفایت کند هیچکس را هیچکس هیچ نفس از عذاب
نیز نفس از نفس کافر ولا یقبل و پذیرفته نشود منها از نفس کافر فدیه و هیچ بخشش منع عذاب دیگر کافر نبود ولا تنفعها و فایده نشود منها از نفس کافر فدیه
عدل فدیه و خوشی بران تقدیر که شفیعی بیارد برای خویش ولا هم و نباشند ایشان یعنی کافران دران روز ینصرون یاری داده شوند
که عوض خود بدهد برای شیدن عذاب ولا هم و نباشند ایشان یعنی کافران دران روز ینصرون یاری داده شوند
یا باز داشته کردند از عذاب خدای مر اسباب خلاص انفی که داشت از ایشان چه نجات در ماندگان یا بشفاعت
شافعان باشد یا بقبول فدا یا بنصرت اولیا و اینجا چون هر سبب سد و هشتن نومید کلی حاصل آید مرکافر از رهائی
درین آیه دلیل نیست چه صفرة ایشان موجود است انا لننصر رسلنا والذین آمنوا و صاحب ایشان صاحب تمام
عهد است شفاعتی لاهل الکبائر من امتی و فدای هر مؤمنی کافر را مرد و فرخ پرند چنانچه در اخبار وارد است و ذکر ذوق شفاعت
درین آیه و قول بعضی است که نیکوست ندا یا، ما را شفاعت خواهد کرد پس بعد از ذکر اقسام اجمالی بیان تفاصیل آن مانع
باشد و تذکیر و تعظیم شد زیرا که در وی حجت و اول زان نعمتها امنیت که میفرماید یا بنی اسرائیل یا که گفتند چون برانیدم
شمارا یعنی ایجاد شمارا منت بر فرزندان نهاد که حصول سبب آبا باشد اذکروا نعمتی التی انعمت از اتباع و متعلقان فرعون آل فرعون
که وفی شدند رابع بود یا در نسب یا در دین و آل فرعون که وهی بودند که هم در نسب ساقط و هم در کیش باطل و بود نسبت
داشتند فرعون لقب ملکی است از عمالقه که بقایا، قوم عاد بودند نام او ولید بن مصعب یا مصعب بن ریان
پادشاه عمالقه را فرعون گویند چنانچه شاه عجم اکسری و سلطان روم را قیصر و حاکم چین را خاقان و والی یمن را تبع و هب
بن منبه که یا اهل کتاب برانند که نام فرعون قابوس بن دو کشه اند او همان فرعون یوسف است و اصح آنست
که فرعون یوسف ریان بن ولید است و میان این دو فرعون چهار صد سال بود و وزیر فرعون موسی قبطی بود
از اولاد قبط که پسر عم بن نوح بود و ایشان با فرزندان یوسف و برادر زادگان او که بنی اسرائیل باشند بجهت حکومت و سیاست
مصر و غلبه اختیار از ایشان و در زمان دولت او گنه عظیم و شدند لاجرم در نیوقت مجال استیلا یافته بتعذیب و تعنیف
ایشان مشغول شد چنانچه میفرماید یسومونکم عذاب میکردند شما را آل فرعون یا می چشانیدند سوء العذاب سخت ترین
و بدترین عذابها چون خدمت ستوران و پاک کردن منزل و غرس زراعت و بنا و عمارت و مانند این مدت سال
نخست هشتاد سال میکشیدند و کشته اند بسیار چون عذاب بغیت که ایشان یذبحون ابناءکم میکشتند پسران شما را و ذبح
یستحیون و باقی میگذاشتند نساءکم و دختران شما را برای خدمت یا بردهگی میگرفتند و آن بدتر کشتن پسران

از مشقت شما گویند استحیا بنات شما قیست برای خصوصا بعد از رنج اسارت وفی ذلکم و درین رنج پسران و خدمت دختران
و حیران بلاء محنتی و آزمایشی بود و شما را من ربکم و ز پروردگار شما عظیم بزرگ و بلای نهایت و کشته اند در ماندن شما
از آل فرعون بعضی بزرگ بود شما را لفظ بلا از اضداد است متناول نعمت و محنت باشد عقلا کشته اند بدو آزمایش است
و آن هم نعمت باشد و هم محنت و در حال شر و نعمت کو هر مردم پدید آید چنانچه کشته اند بیت ای بارد دولت بگرفت گرم
است جوهر اصلی ایشان زین ملک بیرون شود اگر عیاری باشد شرف تست پذیرنده قتل و وحشی آدمیان مردمان بر آن شود
امام قشیری فرموده که هر چه در ظاهر بلا و محنت نماید در حقیقت عافیت است و نعمت و اگر ایشان نظر بلا را نه بر
ولیبلی المؤمنین منه بلاء حسنا بیت هر بلا که دوست آید نعمت است و آن بلا بر دلم صد منت است هر بلا که از دوست
حق آید عطاست ای خوشا جانی که در خورد بلاست و سبب کشتن فرعون بنی اسرائیل را آن بود که منجمی و
وی حکایت میکرد که خدای آسمان مر ابراهیم را که دوست وی بود وعده داده است که از نسل او پیغمبران و پادشاهان بر آن
آید فرعون از استماع این سخن اندیشید که مبادا از اولاد ابراهیم او را مانعی پدید آید و میدانست که بنی اسرائیل هر گاه
ابراهیم درین باب با وزرا و ارکان دولت شما رو نمود رای همه بران قرار گرفت که هر زنی حامله که از ایشان پسر زاید بکشند
و دختر را که استحقاق نبوت و شایستگی سلطنت نیست بگذارند گفته اند شبی فرعون بخواب کرد آتشی از جانب بیت المقدس
بیامد و در گوشه های خانه او از آنجا نبهه نواحی مصر سرایت کرد و هر بتی و بلندی که در مملکت او بود جمله سوخته شد و خدمتکاران
یعنی قبطیان بتمامی هلاک شدند و بنی اسرائیل را زان آتش هیچ آفتی نرسید از هول آن خواب بیدار شد تا در باب منجمان
بگذرانید و با او صورت واقعه باز نمود کاهنان و منجمان گفتند ایشان بر نیو تعبیر کردند که از قوم بنی اسرائیل کسی بیرون آید که هلاک
تو و قبطیان تو بر دست وی باشد گویند شبی از آسمان آوازی شنید که ای فرعون ایشان را که بهندگی میگیری زود بکشید
که از ایشان شخصی ظهور کند که هلاک تو و قوم تو بر دست او بود و هلاک و دولت از تو انتزاع کرده بنی اسرائیل بدو بیشتر
فرعون بکشتن پسران بنی اسرائیل حکم کرد و چون مدتی برآمد امرای قبط با فرعون گفتند عجب حالیست که صغار این قوم را
میکشند و کبار ایشان میگذارند و باشد که از ایشان مردی نماند و ما بی خدمتگار بمانیم حکم شد که کسان که بکشند دو سال بکشند
و آن سال که نکشند هرون متولد شد و آن سال که بنه کشتن بود موسی متولد شد و آن عظیم بود آمد حکایت ولادت
موسی در سوره قصص تفصیل یابد انشاء الله تعالی و بهر کیفیت موسی و ولادت او که بیتحان گفتند آن پسر که عدد ملکت
متولد شده فایده کشتن اطفال چیست ترک قتل ابنا ایشان کردند و ایشان را زان بلیه نجات رسید و این قتل بزرگ بود
ایشان را نعمت دیگر گفت که میفرماید وفرقنا و بشکافتیم و جدا کردیم بکم یعنی از بر شما یعنی کلام
یا بسبب شما و کشته اند بشکافتن شما البحر دریای قلزم را یعنی شما را نرسید و دریا بر شما شکافت فانجیناکم
پس برهانیدیم شما را از مضرت و کشتن و اغرقنا و بآب فرو بردیم آل فرعون کسان فرعون را و اختصار کرد بر ذکر آل و از جمله